



۲۰۲۶/۰۲/۱۰

داکتر صلاح‌الدین سعیدی

طریق نوشتن بعضی کلمات (نامهای) عربی الأصل

در پښتو و دری

زبان شناسی (لنگویستیکه) در عصر امروز مشتمل به دوازده علم است که پرداختن به همه این علوم زبان‌شناسی به هدف احاطه و تسلط به همه این دوازده علم زبان‌شناسی، از توان یک شخص بالا و حتی در موارد، ناممکن است. به شکل مقایسوی عرض کنم که اجتهاد و بدست آوردن و استخراج فتوا در حکم شرع هم توسط مفتی و مجتهد دارای شرایط مجاز و ممکن است. مفتی و مجتهد مانند شخص مسلمان عالم به منابع اساسی دوگانه ۱/ علوم (بلی علوم) تفسیر، ۲/ علوم حدیث (سنت)، و منبع سومی (اجماع) و منبع چهارمی (قیاس - انالوگی) گذشته، مبتنی بر دواصل اولی و منابع چون استحسان، عرف و مصالح مرسله، قبلی در مورد، باید آگاهی و معرفت داشته باشد. مطمئناً معرفت به زبان عربی، قواعد گرامری این زبان (صرف و نحوی) معرفت متناسب داشتن هم باید در مفتی وجود داشته باشد. در مراجعه به فتوای گذشته نباید چنان افراط و تفریط کرد که عصر خفته و بی خبر از امکانات و انکشافات جدید شده و در اجتهاد، صدور فتاوی، عصرخفت و استناد مثلاً ردالمختار و عصر برده و برده داری را لایتغیر قبول و کاپی کرد. درین میان مسائلی که تنها منابع و نصوص شرعی مستقیم نه، بلکه با مراجعه به علوم مدرن روز حل میشوند و در نصوص شرعی رهنمودهای کلیدی مراجعه به این علوم وجود دارد، باید پرداخته و مراجعه شود. از یک شخص یعنی امام مسجد، هم موعظ دینی، هم قاضی، هم خرنوال/سارنوال، هم قاضی تحقیق، هم سایکالوج (سایکالوژی) و هم داکتر طب عدلی، کریمینالست و... توقع داشتن و در صورت تخلف و کمبود این شخص، بدون هیچ تضمینات مسلکی و فنی به صورت بسیار ساده وی (این قاضی) را برای محاکمه به محکمه جوار و دیگر فرستادن و حاضر کردن برای قاضی (برای گرفتاری و پیگرد پولیس، قاضی و خرنوال قواعد خاص محاکماتی وجود دارد. در تشکیل وزارت عدلیه وقت مدیریت مراقبت قضایی وجود داشت که در حین ورود طعن، اطلاع، تخلف قاضی از قوانین بدون موافق و حضور فزینی نماینده این شعبه هیچ ارگان نمی توانست به دستگیر قاضی بپردازد و من مدت معاون این مدیریت در وزارت عدلیه وقت قبل از ادامه تحصیلات بیشتر عالی حقوقی بودم.) قاضی باید رهنمود واجب الاجراء در مورد صدور حکم داشته و نباید دست باز داشته باشد و.... نبود این قواعد و پروسیجرهای اجرائی و رهنمودی، به یقین عدالت را سخت جریحه دار ساختن است و عدالت تأمین شدن را شدیداً مورد سؤال قرار میدهد. لذا اجتهاد، صدور فتوا و تنفیذ قانون و اصولنامه بنا بر وسعت کار، نیز کار کمیته، شورا و مرکز دارالافتاء و استفاده از قوانین و دست آورد های بشری به استناد اصل انالوگی (قیاس) است در تنفیذ قوانین در دین مقدس اسلام و قوانین آن است. بدون این صرف مراجعه به فتوای گذشته مقرر، اصولنامه و قانون را از تاپه عصر خفتن به صورت موجه میسازد. قوانین، مقررات و اصولنامه های بدون این ملاحظات و باریکی ها را جوايگوي انکشافات زمان نمی سازد. دین اسلام دین است که بعد از آن دین دیگر آسمانی و پیامبر جدید ظهور نمی کند. بلی این به صورت عمده اصل قیاس و انالوگی و عرف، استحسان، و مصالح مرسله در مطابق به دواصل اولی (قرآن کریم و سنت رسول الله ص) آند که با فهم و شناخت از اجماع های گذشته، دین مبین اسلام را دین دنیا و آخرت ساخته و زنده نگه میدارد. بلی این وسعت کار و رسیدگی به آن، کار یک شخص نمیشود. مفتیان دارالافتاء مشروع (حاکمیت جامعه اسلامی) نیز نمی توانند نشسته در کدام قریه به استناد کتب و فتوای چند قرن قبل (ولو رد المختار - خداوند متعال مؤلفین آنها غریق رحمت کند که مصادر بس عالی عصر خود را تقدیم داشتند!) و بدون استفاده از دانش و فهم و تجارب جدید قواعد، اصولنامه ها و قوانین بی خبر از تمامی جوانب این قضایا، گسسته از

جهان امروز، ولو با تمام صداقت، نیت نیک و خیر، پرداخته و به صدور فرامین و اصولنامه های تجرید شده و عصر خفته بپردازند، مشکل قانونیت و رهنمود خوب برای حاکم (ولو دیفکتو) و رعیت (شهروند) شده نمی توانند. برای تکمیل نسبی بحث این به دان معنی نیست که مدون ساختن قاعده کار و روشن کردن تکلیف (حقوق و وجایب حاکم و رعیت/شهروند) مورد استقبال مانیتست. ما آنرا استقبال و مطالبه میداریم.

تخطی ازین جوانب قضایا و افراط و تفریط موجب اضرار مهلک به فکر و اندیشه های کاری بودن، حاکمیت اسلامی شده و بلایایی بر جوامع بشری به بار می آورند که در ابعاد مختلف موجب غیر قابل جبران و در سطح جهانی مورد و وسیله سوؤ استفاده علیه دین مقدس اسلام بوده و شده اند. اگر هدف ولو غیر عمدی همین باشد، گناه بزرگ را عاملین این عملکرد ها مرتکب میشوند که مواخذه دنیا و آخرت دارد. مسأله و سؤال مشروعیت متداول و قابل قبول بودن، مفتی و دارالافتاء و امیر آن نیز بحث مهم و در جای خود باقی است. عین حالت هم در بخش طبابت و صحت به نسبت وسعت کار ورشته های طبی جدید مطرح است که تدای توسط تیم از اطباء سفارش و تأکید میشود.

زبانها و تا حدی املاء و انشای زبان به مرور زمان با انکشاف جوامع بشری انکشاف نموده و صیقل شده ویا بهتر بگویم، قواعد و گرامر زبان توحید میشوند. غنامندی زبان ها درین میان نیز کاملاً با انکشاف جوامع بشری مشهود و قابل فهم است. درین میان در استفاده از متون عربی در کل دادن حرکات در زبان دری و پشتو مروج نیست و این تأثیر زبان عربی را عده زیادی از زبانشناسان رد میکنند. اما اگر در نوشته از نصوص مقدس دینی استفاده میداریم به این باورم که باید این کلمات مطابق اصل بدون تأثیر قواعد زبان های مختلف نوشته شود. هست مواردیکه ایکه ذکر اصل کلمه و متن عربی خواننده را که زبان عربی نمی داند به مشکل تلفظی مواجه میسازد، در حالیکه در زبان دری و پشتو دادن حرکات به کلمات مروج نیست و بکار گیری آنرا زبانشناسان امروز نمی پذیرند. اما به منطق و استنباط من اگر قرآن کریم که از ابتدا شکل تحریری داشت و به صورت مصحف و مُجَلَّد توسط قاریان وحی در نسل اول مسلمانان در وقت سیدنا حضرت عثمان رض صورت گرفت و از آن چار نسخه ساخته شد و به چار جانب بلاد اسلامی ارسال گردید، نیز حرکات (فتح، ضمه کسره و ...) وجود نداشت. (یک نسخه ازین چار نسخه اصلی در کتابخانه اسلامی شهر تاشکند وجود دارد و من شخصاً آنرا دیده و یک کاپی از آن برای ما نیز هدیه داده شده بود.) حرکات در متون قرآن کریم برای خواندن درست نوشته عربی در قرن شانزده اضافه گردید، تا تلفظ درست، خصوصاً توسط خواننده غیر عربی زبان صورت بگیرد، با وجود اینکه خود عربی زبانان نیز بدون این حرکات در خواند مشکل خواهند داشت. با همین منطق سخن و همین قیاس، من طرفدار این ام که حین استعمال کلمات عربی در متون دری/فارسی و پشتو ویا ترکی و اردو به دادن حرکات به کلمات رائج و مجاز باشد. هست مواردیکه مثلاً (پی) زبان پشتو را تحت تأثیر زبان عربی (ئی) مینویسند و تقریباً تمام کلمات دارنده همزه (نائل) را (نایل) مینویسند.

این هم مستند است که شماری از زبانها نیز در طول قرن ها و زندگی، به اضمحلال رفته و حتی به مرور زمان از بین میروند و رفته اند. در چین و هند با وجود صدها زبان تلاش دارند که زبانها محلی شکل تحریری نداشته باشد و برای شکل تحریری این زبانهای محلی کار صورت نمی گیرد و بیشتر به یک دو زبان رسمی فرصت بیشتر و شکل تحریری میدهند.

به ادامه بحث و به این ترتیب شماری از لغات، کلمات و اصطلاحات را یک زبان، به صورت طبعی تحت تأثیر سیاسی، اقتصادی، نظامی، کلتوری، فرهنگی، دینی و ... از زبانهای دیگر میگیرد ویا میدهد و به مرور زمان این لغات، کلمات و اصطلاحات به عاریت گرفته شده، داده شده، جز همان زبان میگردند، و به مرور زمان دیگر برای این زبان، کلمات به عاریت گرفته شده دیگر اجنبی و به عاریت گرفته تلقی نه میشوند.

هندی ها به کلچر و زبان دری، فارسی و پشتو دوران مغل در هند و زمان حضور انگلیسها نیز در موارد مانند جز فرهنگ و کلچر کشور خویش پرداخته و قبول کرده و حتی افتخارات آن زمان را نیز افتخار خود دانسته و آنرا جزء از تمدن و تاریخ فرهنگی و کلتوری خویش مطالعه میدارند. زبان انگلیسی و انگلیس ها نیز با حضور چند قرنه خویش در نیم قاره هند بیش از صد لغت را از زبانهای محلی این مناطق به شمول زبان پشتو گرفته و وارد زبان انگلیسی و تمدن جهان ساخته اند (مبحثی که در زبان پشتو همان برای میده کردن گندم یا حلاجی پخته به صورت محلی به کار میرد به ماشین تبدیل شده! بیشتر از صد لغت در مورد وجود دارد!). که حال دیگر در موارد زیاد در زبان انگلیسی حتی بدون تفکیک بکار میروند وجهانی نیز شده اند. (بحث مستقل برای علم فینومولوجی علم زبانشناسی است!).

این داد و گرفت ها گاهی طبیعی وبدون تولید حساسیت ها (استخبارات منطقه و تحمیل کلمات فارسی ایرانی) و زمانی هم تحمیلی وبا ایجاد حساسیتهای غیر ضروری، همراه میباشند. تلاش دربخش از زبانها همراه با حساسیت های ملی گرایی و کار تصنعی برعکس نیز در موارد با افراط و تفریط بی موجب همراه بوده است. درین داد و گرفت موارد است که در نوشته، املا و انشاء این کلمات به عاریت گرفته شده و داده شده نیز تغییرات رونما گردیده است. باز هم این بحث بس وسیع است.

مسلم است که هر لغت و اصطلاح از خود تذکره (آی دي ID و معمولاً معانی لغوی کلمات و اصطلاحات ثابت ولی معنی اصطلاحی در موارد به مرور زمان تغییر میکنند. به همین علت هم میگویند قاموس ها و دیکشنری های لغات و اصطلاحات، باید در هر سه دهه از سر تکمیل و چاپ شوند تا در آن دقت لازم ایکه در جریان زمان و تحولات جوامع و نتیجتاً تغییرات در زبانها، واقع شده، منعکس شود.

پرداختن به این همه موارد با مثال های مشخص ایجاب یک عمر تحقیق همه جانبه و انستیتوتی و به کار گیری وسایل مختلف و تحقیق بزرگ به سطوح اکادمیهای زبان و کمیته های محققین را ایجاب میکند. تلاش های دانشمندان به صورت انفرادی در کشورها و جوامع مستقر بهتر و غنی تر است. درین جوامع مراجع با اتوریتة علمی به یک تفاهم درمورد زبان، املاء و انشای آن میرسند و کار مشترک و اجماع علمی و منطقی، خارج از سایر ذهنیگرایی ها صورت میگیرد، در مورد مجموعه و کتاب واحد به چاپ میرسد و این کتاب واحد منبع است که تمام مراجع رسمی کاپی آن را در دفتر خویش دارند و درحین تزلزل طریق نوشتن و یا معنا، در مورد این ویا آن کلمه و اصطلاح، به این کتاب و مرجع رسمی مراجعه نموده و به اساس آن نوشته و استعمال کلمه و اصطلاح مورد نظر، صورت میگیرد واین کتاب هر دو و یا سه سال بعد از دقت در انکشافات جدید از نو به چاپ میرسد. در کشور ما و کشور های عقب افتاده و غیر مستقر این وظایف تاحال در تلاش انفرادی محققین زبان خلاصه شده و هریک خود را احق و اصح میدانند. اما مسلم این است که نهایی سازی این کار در ذمت مراجع علمی و اکادمی های زبان های متداول کشور و جامعه ما باقی مانده تا درین مورد بدون سمپتی، انتی پتی و امفتی های شخصی به صورت علمی و اکادمیک درین راستا کار کنند و مرجع و مصدر واحد و توحید شده بیرون بکشند. این وظیفه تا حال اجرا نه شده و درین مورد اقدام مشخص علمی و عملی صورت نه گرفته است. ممکن است بخش از قاموس افغان جرمن آنلاین درین راستا مصدر و منبع خوب و مؤثر کاری باری نهایی سازی باشد.

من درین موارد ذکر شده، به تفصیل مثال جهت وسعت کار و خارج شدن مستقیم از اصل موضوع، پرداخته نمی توانم و در موارد خود توانایی پرداختن به همه ای این موضوعات را هم در خود نمی بینم. لذا درذیل به یک موضوع مشخص و بسیار محدود و کوچک نتایج کاری و دست آورد خویش را با شما شریک ساخته، تا شود درین مباحث، با تمرکز در قسمت کوچک از مطالب مربوط، در خدمت شما قرار گرفته باشم.

علت دیگر تقدیم این نوشته هم وجود شماری از نامها (کلمات) است که در مطبوعات کشور مطرح و شکل املاء و انشای آن، توحید نه شده و هریک از ما به نحوی آنرا مینویسم و معنی میکنیم.

این هم شما و این هم بحث مشخص و محدود ذیل امروز:

در زمان توسعه و انکشاف حاکمیت ترکها در کلچر و فرهنگ ایشان، واز کشور های فارسی و پشتو زبان شماری از نام ها در بین جوامع اسلامی و کلتوری این تمدن ها بکار میروند که اصل آن در موارد بیشتر عربی و گاه گاه ترکی ویا دری/فارسی و پشتو ویا هم لاتین آند ولی در کشور های ترک، دری، فارسی و پشتو زبان به نحوی دیگر تلفظ و نوشته شده و املاء و انشای آنها نیز متفاوت آند.

از جمله: نامهای (کلمات) ذیل:

خاتون: که در عربی به معنای: (سیده جلیله) و در دری خانم، جلیل القدر، بانو، ملکه، همسر حاکم، میباشد، که در ترکی به نام خاتون، مروج گردیده، واز زمان دوران سلجوقی ها، غزنویان و مغل میباشد.

کاریمان: که اسم عربی، ترکی است و در عربی به معنای: (کرم) و در دری نیز کرم، بخشنده، بزرگواری، سخی و دارای صفات والا میباشد. مشهورترین شان کریمان محمد (۱۹۳۶ – ۲۰۲۳ م). از اصل عربی، مشتق از کریم و

یا کریمه است. یعنی سخاوتمند، زن بخشنده، بزرگوار، عالیقدر، میباید، که در ترکی به نام کاریمان، مروج گردیده است.

نازک: که در مجامع ترکی، دری/فارسی و پشتوزبان بکار میرود در عربی به معنای: (ناعمة رقیقة). که در انگلیسی دیلیکیته Delicate و یا فریجایل Fragile معنی میشود. این اسم در فرهنگ و کلچر ترکی، دری/فارسی و پشتو زبانان به کار میرود.

همچنان نام های مروج درین زبان ها (مجامع ترکی، پشتو، دری و فارسی زبان) با تاء مفتوح ساکن (ث) عوض نام های عربی (ة – تا مربوطه) بکار گرفته شده و بکار میروند مانند ذیل:

إلفت: اصل اش ألفة، (به ضمه الف) که در عربی به معنی (صداقة و مؤانسة)، است. ألفت به معنای دوستی، محبت و انس است.

آیت: شکل نوشته پشتو و فارسی/دری کلمه عربی (آیه)، است که به معنای (علامة من القرآن الکریم) یعنی نشانه، علامت نشانه الهی، معجزه، دلیل و برهان است. آیت به معنای عبرة (عبرت) هم آمده.

بهجت: شکل نوشته پشتو و فارسی/دری کلمه عربی الاصل که در عربی (بهجة) نوشته میشود. که در عربی به معنای (فرح، سرور و نصارة). که به معنای شادمانی، سرور، تازگی، زیبایی و نشاط است.

ثروت: شکل نوشته پشتو و فارسی/دری کلمه عربی الاصل که (ثروة) میباشد. در عربی به معنای، (کثرة العدد من المال والناس، وليلة يلتقي فيها القمر و الثريا). در دری/فارسی به معنای: مجموعه دارای (پول، طلا، ملک) و منابع معنوی (سلامتی، دانش، روابط) مربوط یک فرد یا جامعه است.

جمالاث: شکل نوشته پشتو و فارسی/دری ترکی کلمه عربی (جَمال). و جَمال به فتح جیم به معنای زیبایی، حسن و جمال زنان است. جَمالات به کسر جیم به معنای شترها و جمع (جُمالة) است. اصطلاح به معنای جمل(شترنر) نیز شناخته شده است.

جودث: شکل دری و پشتوی کلمه از اصل عربی (جودة)، به معنی نیکویی، خوبی، کیفیت عالی و خوش ساختی است. مصدر اش نیکوشدن، و اسم مصدر (نیکو و کیفیت) است. جودث تیز هوشی و تیز ذهنی، نیز معنا شده است که کیفیت مرغوب و بالای چیزی را نیز گویند. (جود) را نیک بودن، خوب بودن، نیکوگشتن نیز معنای کرده اند.

حشمت: شکل نوشته پشتو و فارسی/دری و ترکی کلمه عربی الاصل (حشمة) است. که به معنای بزرگی، شکوه، جاه و جلال، احترام و شوکت است. در معنی قدیمی این کلمه به معنای حیاء و شرم نیز آمده است. برای نام دختران و پسران هردو بکار میرود. کلمات مترادف عظمت، جبروت، شوکت، دبده، شان و وقار میباشد. این اسم نمادی از ابهت و احترام است.

حکمت: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الاصل (حکمة) از ریشه (حکم) به معنای محکم کردن و منع کردن از ظلم و جلوگیری از کار زشت است، که به معنای عدل و حلم نیز آمده است. حکمت به معنای دانایی، دانش عمیق است. در لغت به معنای منع کردن (بازداشتن از جهل) و در اصطلاح به معنای توانایی درک حقیقت و نهادن هر چیز در جایگاه شایسته آن است.

خیرت: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الاصل (خَيْرَة)، به معنی (کثیر الخير، والفاضل من کل شيء) کثرت خیر و نیکویی صلاح و مصلحت نیز بکار رفته است. و (خَيْرَة) به تشدید یا به معنای خوبی، سلامتی، عافیت و امنیت است.

دولت: میگویند دولت لغت کاملاً فارسی است و معنای عربی آن حکومت است. ولی شکل نوشته دری، پشتو و ترکی این کلمه در عربی (دولة)، به معنی زمان فرمانروایی، دوران، شکوه و بخت و اقبال است. در ادبیات کهن به معنای پیروزی، خوشبختی و یا مال و مکننت بکار رفته است و با مفهوم امروزی آن (حکومت – ستیپت) متفاوت است.

خلص اینکه در گذشته دولت به معنی اقبال، خوشبختی و ثروت بود، اما امروز به معنای حکومت و قوه مجریه به کار می روند.

کلمات حکومت (بخش اجرایی)، سَتِیْت (به معنای دولت در کل) تفاوت های این مفاهیم در کشورهای ریاست جمهوری با داشتن رئیس در رأس قوه اجرائیه (مانند آمریکا) که حکومت شود و یا دولت (سَتِیْت) که در مجموع قوای سه گانه حاکمیت شود، در تعریف دقیق این لغات مشکل و عدم دقت و مغالطه وارد نمود و در موارد حکومت (گورنمنٹ) با دولت (سَتِیْت) مغالطه میشوند.

رَأْفَت: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الأصل (رأفة)، بمعنی رحمة در زبان عربی است. رأفت بمعنی مهربانی، نرم خویی ترحم و دلسوزی است. این لغت به خاصیت شخص اشاره و ذکر است که قلب نرم و مهربان داشته و با دیگران عطف و مهربانی داشته و با دیگران با عطف و گذشت رفتار میکند.

رَفَعْتُ: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الأصل (رفعة)، به معنای علو القدر در عربی است. رفعت به معنای بلندی، والایی، بزرگواری، و برتری مقام و شأن است. این کلمه و لغت به عنوان اسم مصدر به معنای بلندمرتبه شدن، اوج، شرف و علو است.

رَقَّتْ: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الأصل (رقة)، در عربی به معنای (رحمة و حنان) است.

رَقَّتْ به معنای نرمی، نازکی، لطافت، و در سیاق عاطفی به معنای دلسوزی و مهربانی است. این کلمه در مناسبت های مختلف به معنای رقت قلب، نرم دلی و رقت آور نیز استفاده میشود.

زینات: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الأصل جمع ترکی (زينة) معنی عربی (الزينة بالعربية اسم جامع لما تُزین به). زینات به معنای آرایش، زینت ها است. در معنای عمومی به معنای زیور آلات، آرایش جمال.

شوکت: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الأصل (شوكة)، به معنی (قوة). عظمت، شکوه، جلال، هیبت و وقار است.

صفوت: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الأصل (صفوة)، در عربی به معنای (نخبة الشيء و خالصه).

صفوت به معنای پاکی، خلوص و برگزیدگی و عصاره است. به بهترین و پاک ترین بخش چیزی بکار میرود.

طلعت: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الأصل (طلعة)، در عربی به معنای (رؤية ووجه).

طلعت به معنای چهره، روی، صورت، منظر و درخشش است.

عزت: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الأصل (عزة) که در عربی معنای (قوة و أنفة). عزت: در زبان عربی به معنای شکست ناپذیری است. به معنای ارجمندی، بزرگواری، شرافت و استحکام نیز به کار آمده است.

عزت به معنای شرف، عزت: دین شرف، دین عزت، کرامه الأمة، عزت ملت....

عصمت: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الأصل (عصمة)، به معنی (اجتناب المعاصي). به معنای نگه داشتن و باز داشتن، حفظ، مصونیت و پایداری است. این کلمه در اصطلاح دینی و کلامی به معنای ملکه نفسانی و توانایی خاص است که فرد را از ارتکاب گناه و اشتباه، باوجود قدرت بر انجام آن، باز میدارد.

عطف: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الأصل (عطفة)، به معنی (عطف). عطف و عطف به معنای مهربانی، محبت، دوستی، شفقت و رأفت است. این کلمه نشان دهنده ابراز عشق و نیکخواهی به دیگران است.

عَقْتُ: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الأصل (عَقَّة)، در عربی به معنای (طهارة وترک ما لا یجمل قولاً و فعلاً). به معنای پاکدامنی، خویشتن داری، منزله بودن از آلودگی نفسانی است.

فُطُنْتُ: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الأصل (فُطُنْتُ)، در عربی به معنی (حُذِقَ وفهم). و به معنای زیرکی، هوشیاری و دانایی است. به معنی تیز خاطری، تیز فهمی و درک قوی نیز به کار می‌رود.

فُکِرْتُ: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الأصل (فُکِرْتُ)، در عربی به معنای (اعمال النظر في الشيء وتأمله). و به معنای اندیشه، تفکر، فکروخیال است.

فُوزْتُ: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الأصل (فُوزْتُ)، فوز در عربی به معنای کامیابی و نجاح است. فوزه برای این کلمه حالت تأنیث وجود ندارد.

فُوزَات: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الأصل، جمع خاطیء لفوزت (فوزه).

قُسمْتُ: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الأصل (قُسمْتُ)، در عربی به معنای خط و نصیب. و در دری/فارسی همانا حصه و بخش است.

مُدَحْتُ: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الأصل (مُدَحْتُ)، ما يُمدح به. که در دری/فارسی: مدحت نام خاص است، ترجمه نمی‌شود. اما به معنای زبان عربی همان ستایش و Praise/Commendation است.

مُهِجْتُ: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الأصل (مُهِجْتُ)، جمع آن مُهَج. در عربی: قلب و روح، وأحسن الشيء، نفسی، دم قلبی خالصه. در دری/فارسی به معنای جان، روح خون قلب.

مُئْتُ: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الأصل (مُئْتُ)، إحسان، به رُخ کشیدن، و رخ کشیدن به عنوان تحقیر دیگری و یا داشتن انتظار جبران. همان یاد آوری نیکی به شیوه ای گیرنده و آزار دهنده.

مُیرِفْتُ: شکل ترکی کلمه عربی الأصل (مُیرِفْتُ أو مروءة) در زبان ترکی تحریف شده. به معنای: اگر مروءه باشد به معنی عطر، مشک، بوی خوش و معطرکننده است از اصل مروء....

نُجِدْتُ: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الأصل (نُجِدْتُ)، در عربی: نُصرة وإعانة و غلبة و شجاعة.

به معنای شجاعت، دلیری، بهادری و مردانگی است.

نُفِحتُ: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الأصل (نُفِحتُ)، در عربی: عطية. در دری/فارسی به معنای: وزش باد، دمیدن نسیم، بوی خوش و پاره ای از چیزی است. در عربی صرف به صورت مؤنث بکار می‌رود. در اصطلاح عربانی به معنای عطیه، لطف، نسیم الهی و اثر پایداری که از جانب الله متعال بر قلب عارف می‌وزد، اشاره دارد.

نُشِأتُ: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الأصل (نُشِأتُ)، در عربی به معنای (أول الشببية والأدراك). و در دری به معنای: پیدا کردن، سرچشمه گرفتن، نمود، پرورش یافتن و تولد است.

نُصِرْتُ: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الأصل (نُصِرْتُ)، در عربی به معنای: حُسن المعونة. و در دری/فارسی به معنای: یاری، کمک، دستگیری و حمایت بکار می‌رود.

نُعمَاتُ: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الأصل جمع نُعمت، أي (نعمه)، به معنای: وتُجمع بالعربية نُعمات و نُعمات. و در زبان دری/فارسی به معنای نعمت ها، خوبی ها، نیکی ها، بهره ها، مال ها و روزی ها به کار می‌رود.

نُعمْتُ: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الأصل (نُعمْتُ)، مَنَّة من الله. (منت از جانب الله متعال).

هُدِيتُ: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الأصل (هُدِيتُ)، در عربی به معنای: رشاد ودلالة علی ما یوصل الی المطلوب. و در دری/فارسی: راهنمایی کردن، رهبری، ارشاد، نشان دادن راه راست، و دلالت به سوی مقصد درست، استفاده می‌شود.

هَمَّتْ: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الأصل (هَمَّة)، در عربی به معنای: عزیمه و قوه. و در زبان دری/فارسی به معنای: اراده قوی، عزم راسخ، سعی، کوشش، پشتکار، خواهش و آرزو برای رسیدن به یک هدف است. این کلمه در زبان دری نشانه از بلند نظری، غیرت و جوانمردی است که فرد را سوی انجام کارهای بزرگ و رسیدن به کمال هدایت می کند.

هَبِيتْ: شکل دری، پشتو و ترکی کلمه عربی الأصل. در حالت (هَبِيتْ – هَبِيتْ: در صورت مفرد) ، در زبان عربی به معنای مخافة و خَشية. و در دری به معنای: شکوه، عظمت، جلال، ترس و بیم ناشی از بزرگی و جذبه است.

هَبِيتْ: - شکوه و عظمت، بزرگی و جلال، شاهانه.

ترس و بیم: هول، واهمه (ترس همراه با و بزرگداشت)، ابهت، گیرا بودن و جذبه، مردانه (شکوه و بزرگی)، باعث سکون مجلس شدن (ابهت).

هَبِيتْ به معنای عطية الهی، جذبه روحانی، گیرایی، فره بکار رفته است که درین فصل و باب نام شخص و این شخص حق دارد طریق نوشتن نام خویش را خود بکار برد. در زبان دری/فارسی و عربی باید به همان نوع و شکل نوشته شود که صاحب نام خود برای خود انتخاب کرده و کار میبرد و درین مورد نمی توان گفت که هَبِيتْ در دری به عوض تاي مربوطه (ة) با باید تاي (ت) مفتوحه به کار رود به فهم کم منطق قوی ندارد. ما حق نداریم نام گل زمان را در زبان انگلیسی گل زمان (فلاور اف تاي) ترجمه کنیم.

اگر امیر طالبان هبة الله مینویسد که مینویسد، ما هم باید هبة الله بنویسم.

مسما شدن بعضی از عربها به نامهای غیر عربی و فارسی/دری!

بندر: رئیس شاه بندر أو شهبندر، رئیس التجار، و مقرّ التجار من المدن، و مرسى السفن.

بُوران: تحية و ریحان یزین به مجلس الشراب، و ریح تحمل المطر، و اسم زوجة المأمون العباسي.

دیباج: حزیر نفیس.

جُئَنار: زهرالرمّان.

جیهان أو جَهان: الدنيا أو العالم، و اسم ابنة شاه جهان من سلالة تیمورلنک اشتهرت بجمالها و تصوفها،

و جهان کیرخان القشغاني الاصفهاني من فقهاء الامامية.

رستم: قائد فارسي، و مؤسس دولة للخوارج الاباضية في شمالي افريقيا.

سیرین: حظية كسرى ملك الفرس، قيل إنها بنت ملك الأرض استحضرها كسرى إليه و فضلها على سواها.

شاهناز أو شهناز: لحن موسيقى الشريقي، أو دلال الامبراطور.

شرمین: خجولة مهذبة.

شهردار: رئيس البلدية، أو عميد القوم، و اسم ابن شيرويه الديلمي، من رجال الحديث، و شهر تعني مدينة أو داراً عربية.

شهرزاد: سلطان أو حاكم.

شویکار: عالمة و عارفة بالشيء.

شیرزاد: شبل.

شیرین: حلوة عذبة، واسم حظیة ملك الفرس.

صاقیناز: مغناج.

فیروز: حجر كريم ذو لون أخضر، و اسم ابن أحد ملوک الساسانیین، وداعیة فاطمی صحابی یمانئ.

فیروزة: واحدة الفیروز.

ماهینوز: نور القمر.

مُرداشاه: حارس ملك وجندیہ المقاتل في سبيلة.

مهران: قائد فارسي.

ناریمان: جميلة القوام.

نازنین: ذات غنج ودلال.

نسرین: ورد أبيض قوي الرائحة.

نیفین: نشء جدید أو جیل جدید.

شماری از نامهای دیگر غیر عربی و غیر اسلام که در کشور های

عربی، دری/فارسی و اسلامی بکار رفته است!

بَیْزَس: اسم مملوکی شرکسي (الملک الظاهر، و الملک المظفر، والمنصوري)، واسم أمير قائد، ومؤرخ مصري.

تیمور: ملك المَغل أو المَغول و حفید جنکیزخان.

دیانا: إلهة الصعید عند الرومان، وابنة جوبيتر والمشري، كبير آلهة الرومان.

قانسوه: اسم مملو کی شرکسي.

کامیلیا: زهر جميل للتزیین.

مایا: آلهة الخصب و الربیع عند الوثنیین و الرومان.

منیزفا: آلهة الحکمة عند الرومان، و آلهة أثینا عند الاغریق.

نیرفانا: کلمة هندیة تعني العقيدة الهندوسية في التناسخ، أي انتقال الروح من جسم إلى آخر، والعمل على التخلص من الشر.

در نمونه های از داد گرفت نامها در بین تمدن های مختلف و تغییرات در کلمات و معانی یکدیگر خدمت بکار رفت که سند واضح وابستگی جوامع بشری و غناء سازی یکدیگر آند.

این کار برای و تحقیقی در نوع خویش اولی برای من به نحوی تحقیق اولی است که با ارایه نظریات تکمیلی شما من را در نهایی کردن کار قاموس بزرگ مانند مرجع برای مراجع صدور تذکره، ولادت خط ها، پاسپورت ها در داخل و خارج کشور و برای افراد جهت نام گذاری جگرگوشه های خویش ممد و همکار خوب معلوماتی و توحیدی خواهد گشت. شما به سلامت باشید.

داکتر صلاح الدین سعیدی

۰۰۴۴۷۸۸۶۴۷۴۶۳۸

strategicstudies@yahoo.com

نوت: قاموس بزرگ پشتو، دری/فارسی، چکی و عربی من (۹۰۰ صفحه) در سال ۲۰۰۲ چاپ و متون عربی و انگلیسی آن زیر کار است.

قاموس کامل نام های افغانی، عربی و اسلامی به گمان آغلم زیر نام (مفتاح الأسماء) په پنج زبان، زیر کار و تمام این اباحت بالا در نوشتن این قاموس من را مساعدت کرده و هنوز هم در جستجوی تصحیحات نهایی آن کار میکنم. (ألفبای نام های افغانی، عربی و اسلامی، ۴۲ ردیف، هر ردیف به طور اوسط ۲۲۰-۱۸۰ صفحه). ۹۰٪ کار به عون الله متعال و دعای شما دوستان علم و فرهنگ، تکمیل و تمام شدن است.